



| HAMLET: POEM UNLIMITED | HAROLD BLOOM | REZA SOROOR |  
| ہملت: شعر بی کران | ہارولد بلوم | رضا سرور | تنقار: نظریہ و اجرا |





| هم‌میت: شعربی کران |

| هارولد بلوم |

| ترجمه رضا سرور |

| ویراستار: سارا شجاعی |

| نمونه خوان: میترا سلیمانی |

| مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان |

| مدیر تولید: مصطفی شریفی |

| چاپ اول | ۱۳۹۹ تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

| شابک: ۹۶۴۳۵۴۵-۶۶۹۶۳۶-۹۷۸-۶۲۲-۶۸۶۳-۵۹-۹ |

|  Bidgol Publishing co. |

| نشر بیگل |

| تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ | فکس: ۲۸۴۲۱۷۱۸ |

| فروشگاه: تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخر رازی | پلاک ۱۲۷۴ |

| تلفن فروشگاه: ۶۶۴۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷ |

| [bidgolpublishing.com](http://bidgolpublishing.com) |

| همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

## | فهرست |

- ۱۱ مقدمه مترجم
- ۱۵ پیشگفتار مؤلف
- ۱۷ هملت: شعری کران
- ۱۹ ۱. فهمیدن هملت
- ۲۷ ۲. هوراشیو
- ۳۳ ۳. نمایش‌ها در نمایش‌ها
- ۴۱ ۴. دو تک‌گفتار
- ۴۷ ۵. افیلیا
- ۵۳ ۶. خطاب شکسپیر به بازیگران
- ۵۷ ۷. تله‌موش: اراده مخالف
- ۶۳ ۸. گرترود
- ۶۷ ۹. کلادیوس
- ۷۱ ۱۰. دمل چرکین
- ۷۵ ۱۱. گورکن
- ۷۹ ۱۲. شنوندگان شگفت‌زده
- ۸۳ ۱۳. در قلبم مبارزه‌ای درگرفته بود

۸۷	۱۴. با شگون بدکار به مبارزه برمی خیزیم
۹۱	۱۵. بگذریم!
۹۳	۱۶. تراژدی و تقدیس
۹۹	۱۷. هملت و مکان های رفیع
۱۰۳	۱۸. فورتینبراس
۱۰۷	۱۹. من اگر مهلتی می داشتم، آه، می توانستم با تو بگویم
۱۱۳	۲۰. نابودی: بیداری هملت
۱۱۷	۲۱. ترکیب هنر والا با هنر عامه پسند
۱۲۱	۲۲. هملت به مثابهٔ مرز نمایش صحنه‌ای
۱۲۹	۲۳. پایان زمان ما
۱۳۵	۲۴. قهرمان آگاهی
۱۳۹	۲۵. هملت و بی پایانی
۱۴۵	<b>پیوست</b>
۱۴۷	هملت: ابداع انسان
۲۲۵	<b>نمایه</b>

نتنرییدگل

## | مقدمه مترجم |

اولین بار این الکساندر دوما بود که گفت: «پس از خداوند، شکسپیر بیش از همه آفریده است»، جیمز جویس این جمله را در رمان اولیس خود آورد و بورخس، این استاد بی‌همتای بازگویی روایات، آن را دوباره نقل کرده است. این جمله اشاره‌ای ضمنی به تنوع بی‌شمار شخصیت‌های ابداعی شکسپیر دارد، شخصیت‌هایی که در زندگی واقعی همتایانی با این فصاحت و ظرافت ندارند و در میان آنها هملت سرآمد همگان است. هملت گونه‌ی جدیدی از انسان به شمار می‌آید که پیش از او هیچ‌کس همانندش نبوده است. تنوع و غنای شگرف هملت همان خصیصه‌ای است که از روزگار دکتر جانسون و کولریج تا به امروز کارگردانان، بازیگران، نویسندگان، منتقدان و تماشاگران را به تأمل در باب این نمایشنامه و شخصیت بزرگ واداشته است و هر تفسیری از آن به تفسیر دیگری راه گشوده تا بدین سان، پس از چهار قرن، معماری هملت: شعر بی‌کران بنا گردد، اثری که به نوبه‌ی خود به تفاسیر جدیدتری راه خواهد گشود.

در هر تفسیر خلاقه‌ای، یافته‌های مفسر به‌طور توأمان هم جدید و هم قدیمی هستند، جدید بودنشان از آن روست که تاکنون کسی به آنها اشاره نکرده و گویی تنها با توسعه‌ی آگاهی بشر امکان بیان این تفسیر میسر

بوده است (چنانکه مثلاً تفاسیر فروید، ارنست جونزو و لکان از هملت تنها با پیدایش علم روان‌کاوی میسر بوده) و از دیگر سو این تفاسیر می‌توانند قدیمی به شمار آیند زیرا جوهرهٔ آنها پیشاپیش در خود متن نهفته بوده و اینک صرفاً با اشارهٔ مفسر در برابر دیدگان ما احضار شده است. تأکید مفسر بر این تقدم و تأخر می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در گذشته‌گرایی یا آینده‌گرایی تفسیرش داشته باشد، اما همان‌گونه که ویلسون نایت در اصول تفسیر آثار شکسپیر (فصلی در کتاب گردونهٔ آتش) می‌گوید ماندگارترین تفاسیر آثار شکسپیر آنهایی بوده‌اند که تعادلی میان این دو وجه برقرار ساخته‌اند. تفسیر بلوم از هملت چنین توازی را بنا نهاده است، برخی از یافته‌های او تنها به مدد نظریات نوین در ادبیات و علوم انسانی (از جمله نظریهٔ اضطراب تأثیر) میسر بوده‌اند که بدین خاطر یکسره جدیدند و برخی دیگر نیز گمانه‌زنی‌هایی هستند در باب انتساب نمایشنامهٔ گمشدهٔ هملت پیشین به شکسپیر و اینکه شبح آن متن پیشاپیش در هملت نهفته است، بلوم مکانیسم بازنگری شکسپیر در هملت پیشین را در وجه متقدم تفسیر خویش به تفصیل شرح می‌دهد. بلوم با مهارتی مثال‌زدنی خصلت ژانوسی تفسیر خویش را تا پایان حفظ می‌کند و در این میان البته ظرفیت تفسیر پذیری نمایشنامهٔ هملت نیز دست او را باز گذاشته است تا این حرکت دوسویه به گذشته و آینده آزادانه انجام پذیرد و دامنهٔ تفسیر او از کتاب مقدس تا نمایشنامهٔ دست‌آخر بکت را در برگیرد.

در هردو کتاب هملت: شعر بی کران (۲۰۰۳) و شکسپیر: ابداع انسان (۱۹۹۸) تفسیر بلوم از نمایشنامهٔ هملت نمونه‌ای عملی است از نظریه‌ای که پیش‌تر در کتاب‌های اضطراب تأثیر (۱۹۷۳) و نقشهٔ بدخوانی (۱۹۷۵) ارائه کرده بود. یکی از مسائلی که بلوم در این کتاب‌ها مطرح کرده آن است که هر شاعری به‌طور توأمان هم تحت تأثیر شاعران متقدم (پدران ادبی) خویش است و هم بر شاعران متأخر (فرزندان ادبی‌اش) تأثیر

می‌گذارد، بدین سان شعر هر شاعر اصیلی هم واکنشی است به شاعران سلف و هم تأثیری کارساز بر شاعران خلف دارد، لاجرم هر شاعری برای سرایش اثر خویش باید از زیر استیلای پدران ادبی خارج شود (پدرکشی) و از دیگر سو بر آثار هنوز نانوشتۀ نویسندگان آتی حمله برد (پسرکشی) و این جدال بی‌پایان ادیپی در بطن هر آفرینش ادبی مستتر است. بلوم در تفسیر خویش از نمایشنامه هملت نشان می‌دهد که چگونه شکسپیر از زیر تأثیر اوید، چاوسر، و مهم‌تر از آنان، کریستوفر مارلو بیرون می‌آید و چگونه برگوته، بکت، جویس، استوپارد، و بسیاری دیگر از نویسندگان پس از خود تأثیر می‌گذارد و آنها را به بدخوانی خلاق از اثر خویش وامی‌دارد. اما نکته‌ای که بلوم در تفسیر خویش بر این ایده می‌افزاید برآمده از این گمانه‌پردازی است که هملت پیشین، به‌رغم نظر اکثر شکسپیرشناسان، نوشته تامس کید نیست و خود شکسپیر آن را در آغاز کار نمایشنامه‌نویسی‌اش نوشته و دوازده سال بعد با بازنگری در آن، خود را از اضطراب تأثیر آن رها کرده و مهم‌ترین اثر نمایشی عالم تئاتر را خلق کرده است. چنانکه در کتاب خواهید دید، بلوم به‌طور شگفت‌انگیزی نشانگان این بازنگری در متن و بازتاب آن در نقش روح (که به‌شکلی استعاری می‌تواند شبیح نسخه اولیه هملت، شبیح شکسپیر جوان، شبیح پدر و جز اینها باشد) را تفسیر می‌کند.

از آنجایی که هملت: شعر بی‌کران همچون ضمیمه‌ای بر تفسیر اولیه بلوم از هملت (مندرج در کتاب شکسپیر: ابداع انسان) است دریغ آمد که آن را به پیوست این کتاب نیاورم گرچه آگاه بودم چنین کاری به تکرار برخی از مطالب خواهد انجامید، اما چون این تکرارها گاهی به نتایجی متفاوت منجر می‌شوند عاقبت با تردید آن را ترجمه کردم و، در تناسب با مضمون و عنوان اصلی مأخذ آن، با نام هملت: ابداع انسان به پیوست آورده‌ام. در خصوص سبک نگارشی بلوم باید گفت که نشر معمول او گاهی چندان پیچیده، غامض و سرشار از تلمیح می‌شود که بسیاری

از متخصصان فرهیخته را به گلایه وامی‌دارد، در هملت: شعر بی‌کران، شاعرانگی نثر بلوم بر شدت این پیچیدگی‌ها می‌افزاید اما به گمانم، تفکر زاینده بلوم جز از طریق همین زبان پیچیده و چندوجهی امکان بروز نمی‌یابد. علاوه بر این نثر پیچیده، بلوم به‌رغم آنکه تمامی عمرش را به تدریس در دانشگاه گذرانده در کتابش هیچ ارجاع یا پانویسی نیاورده است که این می‌تواند برای خواننده ایرانی که به بسیاری از مراجع شکسپیرشناسی دسترسی ندارد موجب ابهامات بیشتری شود، بنابراین ناگزیر شدم پی‌نوشت‌هایی را بر متن بیفزایم که بنا به نیاز می‌توان آنها را خواند یا نخواند. همچنین متن آکنده از کنایات گزنده بلوم به اصحاب نقد نواست که در اینجا تی.اس. الیوت به‌خاطر مقاله «هملت و مشکلاتش» (۱۹۱۹) بیش از دیگران آماج حمله قرار می‌گیرد، از آنجایی که خود بلوم در متن کتاب به حد کفایت در باب اختلاف دیدگاهش با الیوت سخن گفته است نیازی به توضیحات بیشتر در پی‌نوشت‌ها ندیدم، اما خواننده مشتاق می‌تواند به ترجمه کتاب بعد از نقد نو (فرانک لنتریچیا: ۱۳۹۳) که فصلی از آن به آثار بلوم و مواجهه او با اصحاب نقد نو اختصاص دارد مراجعه کند.

اگرچه در مورد ترجیح در استفاده از ترجمه‌های فارسی نمایشنامه هملت جایی دیگر سخن گفته‌ام و اولویت‌های آنها را برای اجرا، مطالعات ادبی، و بررسی شبکه استعارات متن بر شمرده‌ام اما ذکر آن لازم است که در اینجا برای نقل قول‌ها بیشتر از ترجمه به‌آذین استفاده کرده‌ام، مگر در مواردی که تأکید لغوی بلوم مرا به تدقیق یا تغییر واژه‌های ترجمه به‌آذین واداشته است. به‌هر حال، من نه فقط در این کتاب، بلکه همواره مرهون زحماتی هستم که به‌آذین فقید در ترجمه متون نمایشی (هملت، لیرشاه، اتللو و فاوست) به خرج داد، همو که شاید به‌خاطر گرایش‌های سیاسی‌اش، به آن اندازه که برای تئاتر کوشش کرد قدر ندید و البته دم بر نیاورد.



## پیشگفتار مؤلف |

این کتاب کوچک مؤخره‌ای است بر کتاب دیگرم، شکسپیر: ابداع انسان (۱۹۹۸)؛ هنگام نگارش آن کتاب جامع دربارهٔ تمامی نمایشنامه‌های شکسپیر، خود را دل مشغول رابطهٔ هملت با نمایشنامه‌ای قدیمی‌تر و گمشده موسوم به هملت پیشین<sup>۱</sup> یافتم. بسیاری از متخصصان، بدون دلایل مکفی، این نمایشنامهٔ گمشده را به تامس کید، مؤلف تراژدی اسپانیایی، نسبت می‌دهند. اما من به پیروی از پیتر الکساندر<sup>۲</sup> فقید بر این باورم که شکسپیر هر دو هملت را خودش نوشته و بدین ترتیب، در سال ۱۶۰۰ میلادی شخصاً در نمایشنامهٔ بزرگش تجدیدنظر کرده است. متأسفانه در آن کتاب من چندان درگیر مسائل مربوط به مأخذ این نمایشنامه شدم که بخش زیادی از یک فصل طولانی را بدان اختصاص دادم و بعداً، در کمال آندوه، دریافتم که بیشتر اندیشه‌ها و احساساتم در باب هملت ناگفته باقی مانده‌اند. کتاب هملت: شعری کران تحقق آرزوی من برای جبران آن دل مشغولی پیشین است و اکنون آن را همچون همدمی برای شکسپیر: ابداع انسان ارائه می‌کنم.

به هر حال، امیدوارم آنچه در این کتاب بیان می‌کنم چیزی بیش از ضمیمه‌ای بر کتاب حجیم قبلی باشد. شکسپیرالگو و خدای میرای

من است، و بنابراین هملت: شعری کران رابطه‌ای تجدیدنظرطلبانه با شکسپیر: ابداع انسان دارد. معمایی که در مواجهه با نمایشنامه‌های شکسپیر نهفته است چیزی نیست جز همان مسئله خود شکسپیر، اینکه به طور تلویحی، شکسپیر در نسبت با اثر خویش کجا ایستاده است؟ گذشت چهار قرن اینک خوانندگان و اهالی تئاتر را بدین اعتقاد راسخ کشانده که آنچه شکسپیر در هملت به ودیعه نهاده بسی شخصی‌تر و ذاتاً روشن‌گرانه‌تر از هر نمایشنامه دیگر او، حتی طوفان، است. بخش زیادی از کتاب هملت: شعری کران به گمانه‌زنی‌هایی تأمل‌برانگیز در باب نقش خود شکسپیر در رازآمیز بودن نسخه نهایی هملت اختصاص یافته است.

# نتنریبیدگل

## پی‌نوشت‌ها:

### 1. *Ur-Hamlet*

۲. Peter Alexander (۱۹۶۹-۱۸۹۳) شکسپیرشناس برجسته اسکاتلندی که از او کتاب‌های هنر و زندگی شکسپیر (۱۹۳۹) و هملت: پدر و پسر (۱۹۵۵) شهرت بسزایی دارد. الکساندر نظریه نگارش هملت پیشین توسط شکسپیر را ابتدا در تصحیح خود از مجموعه آثار شکسپیر (معروف به متن الکساندر) بیان کرده است.